



ISSN: 2423 - 7655



Pajoheshha- e Mahdavi

A Research Quarterly in Mahdaviyyat
Thirteenth year, No 51, Fall 2024

Analysis of the reason for requesting divine help for Imam Mahdi (A.S.) in the "Salamati" (health) prayer, despite the certainty of divine help from God

Dr. Marziyeh Varmazyar ¹
Mostafa Varmazyar ²

Abstract

The request for divine help for Imam Mahdi(A.S.) (insistently) is one of the needs of the supplicant in the "Salamati" prayer (اللهم کن لولیک). The peak of Imam Mahdi's(A.S.) need for this help is at the time of his reappearance, and God has guaranteed the full help of the Imam Zaman (A.S.) at the time of his reappearance, and this is an unbreakable divine promise. The question is why did the Infallible Imam(A.S.) command the persistence of this prayer? (Repeat it on the "Gadr" Nights while prostrating, standing, and sitting, but rather recite it in any state you are in, and recite it throughout the month of Ramadan, and recite it in any way you can, and recite it throughout your life) and why in this prayer do we ask for and insist on something that God has guaranteed and will definitely fulfill? This article, using a library method in collecting materials and content analysis, has proposed and explained this issue and has concluded that in addition to the content requested, this prayer also has cognitive effects for the supplicant. Such as the formation of desire in the existence of the caller, accompanying the flow of divine traditions and growth and elevation in line with the goal of Mahdism. From a practical point of view, this prayer also requests help for the Imam Zaman(A.S.) in all stages of life, and in the divine promise, this help is guaranteed in general terms, not in specifics and details. Also, our prayer and desire in the prayer for health, since it is included in divine knowledge, can be in line with God's promise and in the series of causes for the fulfillment of the divine promise. Finally, divine help, like other organizational matters, varies in intensity and strength, and our prayer has the effect of giving it intensity and strength.

Keywords: Mahdism, Revelation, Philosophy of Prayer, Prayer for Health, Divine Help

-
1. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Education, Lorestan University Iran(varmazyar.m@lu.ac.ir)
 2. Level 4of Qom seminary and Member of the academic staff of Aiandeh Roshan Institute (Corresponding Author)(mova277@yahoo.com)

تحلیل چرایی درخواست نصرت الهی برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دعای سلامتی با وجود قطعی بودن آن از سوی خداوند

مرضیه ورمزیار^۱
مصطفی ورمزیار^۲

چکیده

درخواست نصرت الهی برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (ناصراً) از حاجت‌های دعاکننده در دعای سلامتی (اللهم کن لولیک...) است. اوج نیاز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این نصرت، هنگامه ظهور است و خداوند یاری تمام عیار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان ظهور را تضمین کرده و این وعده تخلف‌ناپذیر الهی است. مسئله این است که چرا امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف، به مداومت بر این دعا فرمان داده است؟ و چرا در این دعا ما چیزی را طلب می‌کنیم و بر آن اصرار می‌ورزیم که خدا تضمین کرده و به طور حتم انجام خواهد داد؟ این نوشتار با روش کتابخانه‌ای در جمع‌آوری مطالب و شیوه تحلیل محتوا، این مسئله را طرح و تبیین کرده و به این نتیجه رسیده که این دعا علاوه بر محتوای مورد درخواست، از جهت معرفتی نیز دارای آثاری برای دعاکننده است. همچون شکل-گیری طلب در وجود داعی، همراهی با جریان سنت‌های الهی و رشد و تعالی در راستای هدف مهدویت. از جهت عملی نیز این دعا، نصرت را برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در تمامی مراحل زندگی درخواست می‌کند و در وعده الهی، این یاری به صورت کلی تضمین شده است نه در خصوصیات و جزئیات. همچنین دعا و خواست ما در دعای سلامتی، چون در علم الهی لحاظ می‌شود می‌تواند همگام با وعده خدا و در سلسله علل تحقق وعده الهی باشد و بالاخره این که نصرت الهی مانند سایر امور تشکیکی، از جهت شدت و قوت متفاوت است و دعای ما در شدت و قدرت بخشیدن به آن اثر دارد.

واژگان کلیدی

مهدویت، ظهور، فلسفه دعا، دعای سلامتی، نصرت الهی.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه لرستان، ایران (varmazyar.m@lu.ac.ir).

۲. سطح چهار حوزه و عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن قم، ایران (نویسنده مسئول) (mova277@yahoo.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳

مقدمه

یکی از دعاهای مهم در بحث مهدویت، دعای «اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن» است که به دعای سلامتی امام زمان علیه السلام مشهور است، ریشه این دعا از جهت سندی به مرحوم کلینی می‌رسد ایشان در کتاب شریف کافی از محمد بن عیسی با سندش از ائمه معصوم علیهم السلام نقل می‌کند که فرموده‌اند:

در شب بیست و سوم ماه رمضان این دعا را در حال سجده و ایستاده و نشسته تکرار کن بلکه در هر حالی که هستی بخوان و در تمامی ماه رمضان بخوان و هر گونه که می‌توانی بخوان و در سراسر زندگی ات بخوان، پس از ستایش خداوند تبارک و تعالی و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بگو:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَّوَلِيًّا وَحَافِظًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَفَائِدًا وَعَوْنًا وَعِينًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَزْوَاجًا طَوُّعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ۱۶۲).

این دعا از جهت سندی در دو نقطه دارای افتادگی و حذف و به اصطلاح حدیثی «مرسله» است هم در ابتدای سند که از خود نویسنده شروع می‌شود دارای این ضعف است و هم در انتهای سند که به معصوم علیه السلام می‌رسد ارسال دارد البته این حذف تنها در انتهای سند مشکل ساز است؛ اما در ابتدای سند قابل حل است، زیرا روش نویسندگان در قدیم از جمله مرحوم کلینی این بوده که اگر سندی را ذکر کردند برای پرهیز از تکرار در موارد بعد سند را خلاصه می‌کردند و به این کار در اصطلاح رجال «تعلیق» گفته می‌شود یعنی سند بعدی را به سند قبل پیوست می‌کردند. در این روایت نیز این کار انجام گرفته، زیرا مرحوم کلینی نمی‌تواند از مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بدون واسطه روایتی را نقل کند بلکه با توجه به سندهای روایات پیشین در این کتاب، مرحوم کلینی یک و یا دو واسطه تا محمد بن عیسی دارد و در چند سند قبل، روایتی را از أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ از عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ «الحسن» از مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى «همان: ۱۶۰» نقل کرده و به احتمال قریب به یقین، مرحوم کلینی سند دعای سلامتی را بر این سند تعلیق کرده است.

این تعلیق در این قسمت از سند اشکالی ایجاد نمی‌کند، زیرا دو نفری که در این قسمت حذف شده‌اند ثقه و مورد اطمینانند و علتش آن است که؛

أحمد بن محمد بن سعید العاصمی به گفته نجاشی: شیعه و مورد اعتماد در حدیث است و شخصیت سالم و خیری دارد (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۹۴).

علی بن الحسین (الحسن) نیز در اصل علی بن الحسن بن علی بن فضال است، به گفته نجاشی؛ فقیه شیعه در کوفه، شخصیت والا، مورد اعتماد و حدیث شناس بوده و احادیثش قابل قبول است و نقطه ضعفی ندارد جز این که در موارد بسیار نادر، از افراد ضعیف روایت نقل می کرده و در برهه ای از زمان جزء فطحیه بوده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۲۵۸) مرحوم کشی، شیخ طوسی و علامه حلی نیز ایشان را توثیق کرده اند (کشی، بی تا: ج ۲، ۶۰۸؛ طوسی، ۱۴۱۷ق: ۱۵۶؛ حلی، ۱۴۱۷ق: ۱۷۷). پس سند در این تعلیق سالم و قابل اعتماد است؛ اما تعلیق دیگری که در انتهای سند اتفاق افتاده، مشکل ساز است و آن فاصله سند از محمد بن عیسی تا امام معصوم علیه السلام است. اگرچه محمد بن عیسی از جهت طبقه می تواند بدون واسطه از امام جواد علیه السلام به بعد روایت را نقل کند؛ اما کلمه «یا سناده» که مرحوم کلینی بیان کرده است، قرینه می شود که در این جا بین محمد بن عیسی و امام معصوم علیه السلام فاصله است و این واسطه و یا وسائط حذف شده است. چنین تعلیقی در انتهای سند معمول نیست، نمی شود از سندهای پیشین آن را استخراج و اصلاح کرد و این واسطه ها مجهول خواهند ماند و سند این روایت از این جهت دچار ارسال و ضعف است. برخی نیز به این ارسال تصریح نموده اند (مجلسی، ۱۴۰۶ق: ج ۵، ۱۰۶؛ همو، ۱۴۰۴ق: ۱۶، ۳۹۴).

شیخ طوسی و ابن مشهدی نیز این روایت را با اندکی تفاوت با همین سند نقل کرده اند و ظاهراً از مرحوم کلینی آن را دریافت نموده اند (طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ۱۰۲؛ همو، ۱۴۱۱ق: (ب) ج ۲، ۶۳۰؛ ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۶۱۱).

سید بن طاووس نیز این روایت را در کتاب *اقبال الأعمال* با اندکی تفاوت با اسناد خودش به ابن ابی قرّة نقل کرده ولیکن در انتها، سندش با سند مرحوم کلینی متحد می شود و اشکال ارسال هم چنان باقی خواهد ماند (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۸۵).^۱ ایشان در کتاب *فلاح السائل* نیز روایت را از شیخ طوسی نقل می کند (ابن طاووس، ۱۴۰۶ق: ۴۶).

دعای سلامتی به شکلی که امروزه معروف است را شیخ طوسی در کتاب *شریف مصباح المتعبد و سلاح المتعبد*^۲ با همان سند کافی روایت کرده است (طوسی، ۱۴۱۱ق: (ب) ج ۲، ۶۳۰-).

۱. فَمِنْ الرِّوَايَةِ فِي الدُّعَاءِ لِمَنْ أَشْرَفْنَا إِلَيْهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مَا ذَكَرَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا وَ قَدْ اخْتَرْنَا مَا ذَكَرَهُ ابْنُ أَبِي قُرَّةٍ فِي كِتَابِهِ: فَقَالَ يَأْسِنَادُهُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ يَأْسِنَادُهُ عَنِ الصَّالِحِينَ قَالَ ...

۲. تَقُولُ بَعْدَ تَمْجِيدِ اللَّهِ تَعَالَى وَ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ فَلَانَ بْنِ فَلَانَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ

۶۳۱) البته با عباراتی مشابه در کتاب‌های تهذیب (طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ۱۰۲)، المزار (ابن مهدی، ۱۴۱۹ق: ۶۱۱) و فلاح السائل (ابن طاووس، ۱۴۰۶ق: ۴۶) نیز آمده است. این از جهت سند؛ اما دلالت روایت، مشکلی ندارد و واضح است، مگر مسئله‌ای که در این تحقیق، بررسی خواهد شد.

مسئله‌ی تحقیق

برخی روایات از حتمیت یاری امام مهدی علیه السلام توسط خداوند در هنگامه ظهور سخن می‌گویند. با این وعده حتمی و تأکید خداوند، چه نیازی به خواست این نصرت برای امام زمان علیه السلام است؟ و چرا این قدر به این دعا و درخواست تأکید شده است؟ آیا امامان معصوم علیهم السلام در تعلیم این دعا به شیعیان و تأکید بر خواندن مداوم آن مقصود دیگری داشته‌اند؟

نوشتار پیش رو این چرایی را درباره نصرت الهی بررسی می‌کند اگرچه این مسئله به نوعی در سایر موارد دعا مانند: تولی، (ولياً) حفظ، (حافظاً) سرپرستی و راهنمایی (قائداً و دليلاً و عيناً) نیز قابل طرح است؛ اما چون تحلیل ارائه شده در مقاله بر نقش مردم در نصرت الهی تأکید دارد و این نقش در سایر موارد مطرح شده در دعا نمود کمتری دارد، تنها بخش نصرت الهی در این مقاله بررسی گردید و وظیفه تحلیل سایر موارد به مقالات دیگر موکول شده است.

بررسی واژگان تحقیق

نصر و نصرت

نصر در لغت به معنای کمک و تقویت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۰۸؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۳، ۴۹۵؛ فیومی، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۶۰۷) و در فرض وجود دشمن مطرح می‌گردد (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ج ۵، ۶۴؛ فیومی، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۶۰۷) به‌ویژه هنگامی که در مورد مظلومی اتفاق

۱. سَاعَةً وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُشْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.
- اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُشْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.
۲. اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَ حَافِظًا، وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا، وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا، حَتَّى تُشْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.
۳. اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُشْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

بیفتد(ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۵، ۲۱۱-۲۱۰).

ابن فارس اصل در آن را انجام دادن خیر و رساندن آن به دیگران می‌داند و خیر در این جا خیر خاص است نه هر خیری که خیر پیروزی است و خیر نصرت مظلوم است(ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۵، ۴۳۵). صاحب *التحقیق* نیز اصل در آن را کمک کردن در برابر مخالف می‌داند(مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۱۲، ۱۴۰).

نصرت الهی

راغب می‌گوید: یاری خداوند به بندگان واضح است؛ اما یاری بندگان به خداوند به معنای کمک کردن به سایر بندگان، حفظ حدود الهی، رعایت کردن پیمان‌ها، سرسپردن به احکام خداوند و پرهیز از نواهی اوست(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۰۹).

نصرالله و نصر خداوند مساوی با پیروزی است برخلاف نصرت دیگران، ممکن است کسی مرا یاری کند ولی من پیروز نشوم، ولی اگر خداوند یاری کند، به طور قطع و یقین پیروز هستم، چون اراده الهی با تحقق آن فاصله‌ای ندارد(نحل: ۴۰) و این که در قرآن آمده که رسول و مومنین می‌پرسند «متی نصرالله»(بقره: ۲۱۴) نصر خدا، همان به مقصد رسیدن و پیروزی است.

تفاوت نصرت با واژگان هم افق

تفاوت نصرت با إعانة

نصرت با فرض دشمن است و اعانه اعم است، ابوهلال عسکری در این زمینه می‌گوید: نصرت در صورتی معنی می‌دهد که یک شخص قدرتمند و دشمن قدری در مقابل باشد؛ اما اعانه هم در این فرض معنا می‌دهد و هم در موردی که دشمن وجود ندارد و حتی در کمک به فقیر و یا یاری برای حمل بار سنگین نیز معنا پیدا می‌کند، در حالی که در این گونه موارد، لفظ نصرت به کار نمی‌رود پس نصرت خاص و اعانه عام است(ابوهلال عسکری، ۱۴۰۰ق: ۱۸۳). صاحب *التحقیق* نیز تفاوت نصرت با اعانة را در این نکته وجود مخالف و عدم وجود مخالف بیان می‌نماید(مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۱۲، ۱۴۰).

تفاوت نصرت با ولایت به معنای یاری

ابوهلال عسکری فرق ولایت به معنای یاری و نصرت را در این می‌بیند که ولایت، یاری کردن منصور از روی محبت است و با یاری ریایی قابل جمع نیست؛ اما نصرت عمومیت دارد و شامل تمام موارد یاری می‌شود و به عبارت منطقی، نسبت بین نصرت و ولایت به معنای یاری،

عموم خصوص مطلق است (ابوهلال عسکری، ۱۴۰۰ق: ۱۸۴).

حتمیت نصرت الهی در هنگام ظهور

خداوند در حدیث قدسی فرموده است؛ حتماً او (حضرت مهدی علیه السلام) را با لشکریانم یاری خواهیم داد و ملائکه‌ام را به کمک او خواهیم فرستاد.

شیخ صدوق در سه کتاب خود این روایت را مسنداً از اباصلت هروی از امام رضا علیه السلام ... از امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که حضرت فرمود:

... پس به من ندا رسید؛ ای محمد ایشان والیان، محبوبان، برگزیدگان و حجت‌های من بعد از تو بر مردمانند و ایشان جانشینان تو و بهترین مخلوقات بعد از تو هستند. به عزت و بزرگی خود قسم که البته به وسیله ایشان دین خود را آشکار کرده و آئین خویش را بر پا نموده و با آخرین ایشان زمین را از دشمنانم پاک خواهم کرد. او را بر مشارق و مغارب کره زمین مسلط نموده، باده‌ها را مسخ‌رش کرده، ابرهای سخت را رامش نموده، اسباب و ابزار را در اختیارش نهاده و با لشکریانم کمکش نموده و با فرشتگانم یاریش خواهیم کرد تا دعوت من بر فراز کره زمین مستقر گشته و خلق بر یکتاپرستی من اجتماع کنند سپس مُلک و سلطنتش را گسترانیده و پیوسته روزگار را بین دوستانم سپری نموده تا روز قیامت فرا رسد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ج ۱، ۲۶۲؛ همو، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۵۶؛ همو، ۱۳۸۵: ج ۱، ۶).

این یاری الهی تا آن جا قطعی شده که یکی از القاب امام زمان علیه السلام منصور است و این لقب توسط خداوند به ایشان اعطاء شده است؛ امام باقر علیه السلام در تأویل آیه ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا﴾ (إسراء: ۳۳) می‌فرماید: کسی که مظلومانه کشته شده حسین علیه السلام است و خداوند در این آیه مهدی علیه السلام را که منتقم خون حسین علیه السلام است، منصور نامیده است، همان - گونه که نام احمد، محمد و محمود علیهم السلام را برده و همان طور که عیسی علیه السلام را مسیح خوانده

۱. عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ صَالِحٍ الْهَرَوِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ... فَنُودِيَتْ يَا مُحَمَّدُ هُوَ لَاءِ أَوْصِيَانِي وَأَجْبَائِي وَأَصْفِيَانِي وَحُجَجِي بَعْدَكَ عَلَيَّ بَرِّيْتِي وَهُمْ أَوْصِيَاؤُكَ وَخُلَفَاؤُكَ وَخَيْرُ خَلْقِي بَعْدَكَ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأَظْهَرَنَّهُ بِهِمْ دِينِي وَأَعْلَىٰ بِيْنَهُمْ كَلِمَتِي وَأَظْهَرَنَّهُ الْأَرْضَ بِأَخْرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي وَأَمْلِكَنَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَأَسْجِرَنَّ لَهُ الرِّيَاحَ وَالْأَدْلِلُّنَّ لَهُ السَّحَابَ الصَّعَابَ وَالرَّقِيْنَئَةَ فِي الْأَسْبَابِ وَالنَّضْرَتَهُ بِجُنْدِي وَأَمِدَّنَّهُ بِمَلَائِكَتِي حَتَّىٰ يُغْلِنَ دَعْوَتِي وَيَجْمَعَ الْخَلْقَ عَلَيَّ تَوْجِيدِي ثُمَّ لِأَدِيمَنَّ مُلْكُهُ وَأَدَاوِلُنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَانِي إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

است (کوفی، ۱۴۱۰ق: ۲۴۰).

و یا در روایت دیگری آیه **﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يَقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَاقْدِيرٌ﴾** (حج: ۳۹) به یاری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در زمان قیام تأویل شده است (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۸۵-۸۴).

همچنین در یک سلسله روایات از نصرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه با ملائکه، ترس (رعب) و شمشیر (سیف) در هنگامه ظهور سخن می‌گویند؛ از ابی حمزه ثمالی روایت شده که گفت: شنیدم امام باقر عجل الله تعالی فرجه می‌فرماید:

هرگاه قائم آل محمد خروج کند بدون شك خداوند با ملائکه مسومین، مردفین، منزلین و کروبیین او را یاری خواهد فرمود، جبرئیل پیش روی او، میکائیل در سمت راست او و اسرافیل در سمت چپ او قرار دارند و ترسناکی و هیبت به فاصله يك ماهه راه پیشاپیش او و پشت سر و از راست و چپ او حرکت می‌کند (یعنی شعاع هیبتش تا برد يك ماهه راه را پوشش می‌دهد) (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۳۴).

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: شنیدم رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم می‌فرمود:

به درستی که ذوالقرنین يك بنده شایسته‌ای بود که خدا او را حجت بر بندگانش ساخت و قوم خود را به سوی خدا دعوت کرد و به تقوی دستور داد... و بدرستی که خدای عزوجل روش او را در امام غائب از فرزندان من جاری می‌کند و او را به شرق و غرب زمین می‌رساند تا آن‌که هیچ جایی در کوه و بیابان نباشد که ذوالقرنین بر آن گام نهاده باشد جز این‌که او هم گام نهد و خدای عزوجل برای او گنج‌ها و معادن زمین را آشکار سازد با ترس در دل دشمن، او را یاری دهد و زمین را به وسیله او پر از عدل و داد کند، همان‌طور که پر از جور و ستم شده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۹۴؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق: ۴۴۰).

محمد بن مسلم ثقفی طحان می‌گوید: حضور ابی جعفر امام پنجم عجل الله تعالی فرجه رسیدم و قصد داشتم درباره قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه از او پرسش کنم بدون سؤال به من فرمود: ای محمد بن مسلم به راستی در قائم از خاندان محمد صلى الله عليه وآله وسلم، روشی از پنج پیغمبر است ... و اما روش جدش مصطفی صلى الله عليه وآله وسلم این است که شمشیر بکشد و دشمنان خدای تعالی و رسولش را و جباران و سرکشان را بکشد و با شمشیر و ترس در دل دشمنان یاری شود و هیچ پرچمی از او عقب ننشینند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۲۷).

محمد بن مسلم ثقفی می‌گوید: از امام پنجم ابو جعفر محمد بن علی عجل الله تعالی فرجه شنیدم می‌فرمود: قائم ما عجل الله تعالی فرجه بترس در دل دشمنان یاری شده است و به یاری حق تأیید شده است (همان: ج ۱،

(۳۳۱).

حال با وجود این وعده تضمین شده الهی مبنی بر یاری امام مهدی علیه السلام چه نیازی به دعای روزانه ما در حق ایشان است و آثار و برکات معرفتی، تربیتی و فرهنگی این دعا چیست؟

چرایی دعا برای امر حتمی با نگاه کلی

خداوند در قرآن به دعا کردن فرمان داده و اجابت آن را تضمین کرده است (غافر: ۶۰) ^۱ و دعای انسان را ملاک ارزشمندی او قرار داده است (فرقان: ۷۷). ^۲ در روایات نیز از یک سو بر حتمی بودن اثر دعا (لیثی واسطی، بی تا: ۴۵۴) به عنوان بهترین وسیله برای ارتباط بشر با عالم ملکوت (همان: ۱۷) و از سوی دیگر پایه اصلی دین، روشنائی آسمان و زمین، سلاح مؤمن (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۴۶۸)، بهترین ابزار (لیثی واسطی، بی تا: ۴۹۴) و سلاح اولیاء (همان: ۲۴) معرفی شده است.

آنچه به صورت حتمی و تضمین شده قرار است در آینده انجام گیرد از دو حالت خارج نیست؛ یا برای شخص ناپسند و ناخوشایند است مانند بلا یا و حوادثی که بر اساس قضا و قدر الهی اتفاق خواهد افتاد یا امری پسندیده و مطلوب است مانند رزق تضمین شده یا سرنوشت خوبی که برای کسی و یا گروهی رقم خورده است، دعا در هر دو مورد توجیه دارد؛ در امور نامطلوب تاکید بر دعا برای برطرف شدن آن، از جهت تأثیر شگرفی است که دعا دارد و خداوند به وسیله آن حتی قضای حتمی را نیز تغییر می دهد؛ حماد بن عثمان می گوید: از امام علیه السلام شنیدم که فرمود:

همانا دعا قضا را برمی گرداند و آن را از هم باز می کند همان گونه که ریسمان باز می شود گرچه خوب و محکم بافته شده و قطعی شده باشد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۴۶۹).

در جای دیگری زراره می گوید امام باقر علیه السلام به من فرمود:

آیا تو را به چیزی راهنمایی نکنم که پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده و به طور حتم انجام خواهد شد عرض کردم بفرمائید، فرمودند: دعا قضای الهی را برمی گرداند اگرچه بسیار محکم شده باشد و دستان مبارک را به هم فشردند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۴۷۰).

در خصوص امر مطلوب و پسندیده نیز دعا علاوه بر تأثیری که بر شخصیت داعی می گذارد،

۱. «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ». ۲. «قُلْ مَا يَدْعُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا».

برای تسهیل و تعجیل و تثبیت آن امر، کارآمد است.

امام صادق (علیه السلام) به یکی از شاگردان به نام میسر بن عبدالعزیز می فرماید:

ای میسر دعا کن و نگو کار تمام شده، همانا نزد خداوند تبارک و تعالی جایگاهی است که شخص به آن دست نمی یابد مگر با درخواست، اگر بنده ای دهانش را ببندد و چیزی از خدا تقاضا نکند، عطایی داده نمی شود پس درخواست کن تا بهره مند گردی. ای میسر هیچ دری نیست که کوبیده شود مگر آن که امید است برای درخواست کننده گشوده شود (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۴۶۷-۴۶۶).

و در نقلی به حماد بن عیسی می فرمایند:

دعا کن و نگو کار تمام شده، همانا دعا همان عبادت است. خداوند فرموده همانا کسانی که از عبادت و پرستش من تکبر ورزند، به زودی با خواری و سرافکنندگی داخل جهنم خواهند شد و خداوند فرموده: مرا بخوانید و دعا کنید تا اجابت کنم برای شما (همان: ۴۶۷).

زراره نیز پس از نقل همین روایت در تفسیر آن می گوید:

مراد حضرت این بوده که ایمان تو به قضا و قدر الهی باعث کم گذاشتن از دعا و نداشتن تلاش کافی نشود (همان).

تأثیر دعا برای یاری با وجود حتمیت نصرت الهی

اگر دعاکننده برای خود دست به دعا برمی دارد؛ نیاز خویش را در نظر گرفته و اگر این دعا برای دیگران باشد، دعاکننده نیاز و مشکلات دیگران را ترسیم کرده و برای برآورده شدن و برطرف شدن آنها دعا می کند، در عالم معنا و واقع نفع دعای برای دیگران به دعاکننده هم خواهد رسید و این مهم، از بسیاری از روایات قابل برداشت است.

ابراهیم بن هاشم می گوید عبدالله بن جندب را در موقف دیدم که حال خوشی دارد و دستان را به آسمان بلند کرده و اشک ریزان در حق مردم دعا می کند، به او گفتم؛ چه حال خوشی در چه مکانی داری! گفت: به خدا قسم جز برای برادران دینی ام دعا نکردم، زیرا امام موسی بن جعفر (علیه السلام) به من خبر داده که کسی که در نبود برادر دینی اش در حق او دعا کند، از عرش ندا می رسد که صد هزار برابر آن برای خودت مستجاب شد و من دوست نداشتم صد هزار برابری را که خدا ضمانت کرده رها کنم و یک دعا برای خودم کنم که نمی دانم آیا مستجاب خواهد شد یا خیر (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۵۰۸).

امام صادق علیه السلام در خاصیت دعا برای دیگران می‌فرماید:

دعای برای برادر دینی در نبود او روزی را فراوان کرده و از بدیها و ناخوشی‌ها جلوگیری می‌کند (همان: ۵۰۷).

وقتی دعا برای برادر دینی، این ویژگی و خاصیت را دارد، دعا برای امام زمان علیه السلام چه جایگاهی دارد؟

در دعا برای امام، ما نیازها و مشکلات امام را در نظر می‌گیریم، نیازی که احتیاج شخصی او نیست بلکه به جنبه شخصیتی او و امامت او برمی‌گردد، و نفع برآورده شدن این نیاز و برطرف شدن آن مشکلات و یا ضرر انجام نشدن آنها نیز به امت برمی‌گردد و این مهم از واژه «ولیک» در دعا نیز قابل برداشت است، زیرا جریان کلی هستی و انسان‌ها بر اساس ولایت حق است؛ یعنی بشر ذیل ولایت حق حرکت می‌کند، لفظ «ولی» درباره امام زمان، یک ولایت و عهده‌داری ویژه می‌شود؛ زیرا امام جلودار یک حرکت تاریخی است که مخاطبانی دارد که با هزارگونه مشکل همراهند و کم و کاستی‌ها و زمین‌گیری‌های خودشان را دارند و امام این مسیر را باید با این افراد، به یک نحوی پیش ببرد و طی نماید. یک جریان مقابلی هم دارد که شیطان و طاغوت است با بازی‌ها و پیچیدگی‌ها خودش که فراز و نشیب‌هایی هم دارد؛ پیمودن این مسیر و راهبری جبهه حق با این ویژگی آسان نخواهد بود و امام همواره در خطر است و نیازمند امداد ویژه الهی. اگر این دعا انجام گیرد، بیشتر از آن‌که به حال امام فایده داشته باشد برای امت سودمند خواهد بود و ضرر تأخیر در این مهم نیز همگانی است.

چنان‌که امام زمان علیه السلام در توفیق شریفی در پاسخ به سؤالات اسحاق بن یعقوب به واسطه نایب خاصش، محمد بن عثمان، فرموده:

... و برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید، زیرا که گشایش کارها و امور شما در همین است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۲، ۴۸۵).

بنابراین اثر دعا دو جانبه است هم برای مدعو له و هم برای داعی و در این نوشتار از دو زاویه می‌توان به تأثیر دعا برای نصرت الهی، نگاه کرد:

الف) تأثیر دعای نصرت برای دعاکننده (داعی)

دعا برای امام زمان علیه السلام به شکل عمومی آثار و فوائد بسیاری برای دعاکننده دارد که مرحوم سید محمدتقی اصفهانی در کتاب شریف *مکیال‌المکام فی فوائد الدعاء للقائم* به آنها اشاره فرموده

است؛ اما دعا در راستای طلب نصرت الهی دستاوردهای ویژه‌ای برای دعاکننده دارد که لزوم خواندن شبانه‌روزی این دعا را با وجود وعده الهی به نصرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه توجیه‌پذیر می‌نماید.

دعا در درگاه خداوند در راستای نیاز انسان است؛ خواسته‌ای از جانب فقر محض به درگاه بی‌نیاز و این خواهش بسته به معرفت خواهان متفاوت است یا نیاز در حوزه مسائل مادی و دنیوی است و یا نیاز از جنبه روحی و معنوی و مواردی مانند خواندن دعا برای ثواب، آرامش و... نیز همه در راستای احتیاجات روحی و معنوی انسان است.

دعا و شکل‌گیری طلب در وجود داعی (پاسخ ۱)

در دعای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه اگرچه طلب ما سلامتی و پیروزی امام است؛ اما دعا برای رهبر جبهه حق، در واقع دعا برای حق و بر علیه باطل است. وقتی برای امام و رهبر حق دعا می‌کنیم، جریان کلی حق و باطل را در نظر می‌گیریم و برای پیروزی حق و یاری حق دعا می‌کنیم، در چنین حالتی دعاکننده نباید خود را از جریان حق و باطل، جدا بداند و نمی‌داند بلکه این دعا خواسته واقعی او خواهد شد و در راستای این مهم، لازم است ببیند نسبت او با امام و مشکلات و نیازهای امام چیست؟ وقتی این نسبت معلوم شد آن وقت این دعا، خواسته وی خواهد شد و از عمق وجود، طلب در او شکل خواهد گرفت و برای تحقق آن تلاش خواهد کرد.

بنابراین اگرچه یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه توسط خداوند تضمین شده است و نیازی به این دعا در این جهت مشاهده نمی‌شود؛ اما ثمره خواندن شبانه‌روزی این دعا، محقق شدن این طلب در عمق وجود حق خواهان است و امامان معصوم علیهم السلام با تعلیم این دعا به دنبال ایجاد چنین طلبی در جامعه شیعه و در پی نقش انگیزشی این درخواست، بوده‌اند. در برخی روایات این ایجاد طلب به صورت واضح‌تری مطرح گردیده است:

امام زمان عجل الله تعالی فرجه در توقیعی که در آن زیارت آل یاسین را به محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری تعلیم می‌دهند در ادامه این زیارت می‌فرمایند بگو:

... خدایا او را یاری ده و به وسیله او دوستانش و دوستانت را و شیعیان و یارانش را یاری ده و مرا نیز در زمره آنها قرار ده (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۴۹۴-۴۹۲).

در دعای عهد نیز که به سفارش امام صادق علیه السلام در چهل بامداد خوانده می‌شود، دعاکننده

از خداوند درخواست می‌کند که او را از یاری کنندگان و همراهان امام زمان علیه السلام قرار دهد و عاجزانه می‌خواهد که اگر از دنیار رفت نیز خداوند در روز موعود او را برای یاری امام زنده کند (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۶۶۳-۶۶۴).

در این روایات امامان این طلب را در دعاکننده ایجاد می‌کنند که بخواهد جزء یاران مهدوی و یاری دهندگان حضرتش باشد.

این دعا نه تنها طلب را در منتظر ایجاد می‌کند بلکه به نوعی تجدید عهد و پیمان یاری با آن حضرت است؛ تجدید بیعتی که بعد از هر نماز، یا در هر روز و یا در هر جمعه انجام می‌شود.

جایگاه دعای سلامتی در جریان نصرت الهی (پاسخ ۲)

در دعای مکارم الاخلاق می‌خوانیم: خدایا خیر برای مردم را به دست من به جریان انداز (صحیفه سجادیه، ۹۲)^۱ و در تعقیبات پس از نافله ماه رمضان عرضه می‌داریم: خدایا خیر را بر دستان من جاری کن (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۴۰)^۲ از دو مورد فوق، می‌توان چنین برداشت کرد که خیر، یک جریان برای خودش دارد، چه من همراهی کنم و چه نکنم و من اگر لایق باشم می‌توانم در این جریان قرار بگیرم و خیر به دست من انجام گیرد و به اصطلاح، من مجرای خیر باشم از این رو دعا می‌کنم: خدایا این جریان خیر را در دستان من قرار ده یعنی خدایا مرا در این جریان و فرآیند سهیم گردان.

یاری دین هم همین‌گونه است خداوند دینش را یاری خواهد کرد و این جریان ادامه خواهد داشت و اگر در زمانی افرادی در این وظیفه کوتاهی کردند این جریان متوقف نشده بلکه خداوند این توفیق را نصیب دیگران خواهد کرد. در فرهنگ دینی این سنت، استبدال نام دارد و خداوند در چند آیه از قرآن به این سنت اشاره کرده است (انعام: ۸۹؛ مائده: ۵۴؛ توبه: ۳۹؛ محمد: ۳۸).

امام صادق علیه السلام در دعای پس از نماز صبح بعد از حمد و ثنای الهی عرضه می‌دارد:

بر محمد و آل محمد درود فرست و... مرا در زمره کسانی قرار ده که دینت را به وسیله آنها یاری می‌کنی و غیر مرا برای انجام این وظیفه جایگزین من نکن (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۵۸۹؛ ج ۴، ۱۶۲-۱۶۱؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ۳۳۶).

۱. وَ أَجْرٌ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرِ وَلَا تَمَحِّفُهُ بِالْمَنْ.

۲. اللَّهُمَّ اقْسِمْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ فَضْلِكَ وَ أَجْرِ الْخَيْرِ عَلَى يَدِي.

و یا امام رضا علیه السلام در تعلیم دعا برای امام زمان علیه السلام به یونس بن عبدالرحمان می فرماید: بگو ... خداوندا ما را از کسانی قرار ده که دینت را به وسیله آنها یاری می کنی و افتخار یاری ولی خودت را نصیب ایشان می گردانی و دیگران را برای این مهم جایگزین ما قرار نده؛ این جایگزینی گرچه بر تو آسان است؛ اما برای ما گران و دردآور است (طوسی، ۱۴۱۱ق (ب): ج ۱، ۴۰۹ - ۴۱۱). در این دعا، امام به دعاکننده هشدار می دهد که اگر در یاری دین و امام کوتاهی کند و در این جریان قرار نگیرد، خداوند سنت استبدال را جاری کرده و این سعادت را نصیب دیگران خواهد کرد.

البته یاری الهی به یاری با انسان ها خلاصه نشده و مصادیق دیگری هم خواهد داشت همچون یاری با عوامل طبیعی، یاری با عوامل غیبی، نصرت با رعب. همچنین نصرت به - وسیله انسان ها نیز منحصر به مؤمنین نخواهد بود بلکه در روایات یاری با ضرورتترین خلائق (راوندی، ۱۴۰۹ق: ۲۱۸) و با افراد بدعاقبت (طوسی، ۱۴۱۱ق (الف): ۴۵۰) نیز از مصادیق نصرت الهی شمرده شده است.

در جریان پناه آوردن پیامبر صلی الله علیه و آله به غار نیز یاری خداوند در تار عنکبوت و لانه ی پرنده (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۸۵؛ کراجکی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۵۲) مصداق پیدا می کند.

در روایتی نصرت دین با سنگ را مطرح می کند. سفیان بن ابراهیم قانیدی فامی می گوید؛ از جعفر بن محمد شنیدم که فرمود: بلا از ما شروع می شود و سپس از شما و امید و رجاء نیز ابتدا از ما آغاز شده و سپس از شما. قسم به آن کسی که به او قسم می خورند خداوند حتماً به وسیله شما نصرت خواهد کرد همان گونه که به وسیله سنگ دین خود را یاری رساند. (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۰۱؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۷۴؛ طبری املی، ۱۳۸۳ق: ج ۲، ۸) و شارحان احتمال داده اند که یاری با سنگ، اشاره به داستان اصحاب فیل باشد.

در مرحله یاران انسی نیز یاری نمونه های متنوعی دارد که نصرت به قلب، زبان، و عمل، از آن جمله است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۲۶؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۳۴؛ همو، ۱۴۰۳ق: ۲۳۵).

ظهور امام مهدی علیه السلام نیز این گونه است و در طول هستی، جریان خودش را خواهد داشت. خداوند ولی خود را یاری خواهد کرد و این وعده را تحقق خواهد بخشید و اگر در عصری مردم سستی کرده و با این حرکت همراهی نکردند، خداوند بر اساس سنت استبدال، این توفیق را نصیب دیگران خواهد کرد. دعای روزانه ی من، برای سلامتی و یاری، سبب می شود من، در جریان اراده الهی قرار بگیرم و دست کم از یاری کنندگان حضرت به قلب و زبان باشم و این

یاری قلبی و زبانی با تداوم و استمرار، به نصرت عملی در زمان ظهور خواهد انجامید.

صاحب مکالم المکارم نیز در خاصیت دعا برای امام زمان علیه السلام، این دعا را از مصادیق یاری زبانی می‌شمارد (اصفهانی، ۱۴۲۸ق: ج ۱، ۴۱۴، ۴۳۳ و ۵۱۰) و می‌گوید:

مراد از یاری، هرگونه اقدامی است که نفع آن به نوعی به یاری شونده برسد یا ضرری را از او دفع کند و یا در راستای برآورده شدن نیازهایش قرار گیرد و همه این موارد، در دعا برای امام زمان ثابت است (همان: ۵۳۱).

دعا در راستای هدف مهدویت (پاسخ ۳)

حکومت الهی در گستره جهانی، با اکراه و اجبار همخوانی ندارد، بلکه با تعلیم، تربیت و رشد انسان امکان پذیر است، و انسان رشد یافته با اراده و اختیار خود این مهم را به نتیجه خواهد رساند، خداوند در آیات قرآن به این مهم اشاره کرده است؛ در سوره شعراء در پی اظهار نگرانی پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص گمراهی مردم و نپذیرفتن هدایت الهی می‌فرماید: اگر بخواهیم نشانه‌ای از آسمان بر سر آنها فرو می‌فرستیم و گردن ایشان در برابر آن نشانه فروتن خواهد شد (شعراء: ۴).^۱ یعنی اگر خداوند بخواهد انسان را مطیع خود کند، با فرو فرستادن اموری تهدیدآمیز، او را فروتن و تسلیم خواهد کرد ولی اراده خدا بر این قرار نگرفته است و چنین انقیادی نه مراد الهی است و نه رشدی برای انسان در پی خواهد داشت بلکه اگر آدمی بدون اکراه و اجبار و از روی اراده و میل فرمان الهی را پذیرفت، ارزش خواهد داشت.

در جای دیگر می‌فرماید: و همانا پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و کتاب و میزان را با آنها همراه کردیم تا مردم خود بر اساس قسط به پا خیزند (حدید: ۲۵).^۲ یعنی خداوند زمینه رشد را برای انسان فراهم می‌کند و بینات، کتاب و میزان را توسط پیام‌آوران در اختیار او قرار می‌دهد تا آدمی خودش حرکت کند و با اراده و اختیار خود قسط را به پا دارد.

در دعای سلامتی، هدف از جریان مهدویت، اسکان در زمین با میل و رغبت (طوعاً) است و واژه طوعاً از نظر ادبیات، تمییز باشد یا حال، یا فاعلی معنا می‌شود و یا مفعولی؛ اگر طوعاً را فاعلی معنا کنیم، یا فاعل این اطاعت، زمین است و یا اهل زمین، اگر فاعلی معنا کردیم و فاعل آن را نیز زمین گرفتیم به این معناست که هستی در تسخیر حضرت بوده و حکومتی است که با جریان هستی موافق است، زمین با وجود آن آرام می‌گیرد و اگر هم فاعل اطاعت را اهل زمین

۱. «إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ».

۲. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ».

گرفتیم یعنی انسان‌ها مطیع آن حضرت باشند، مردم این حکومت را با رغبت و میل پذیرا باشند و برای تحقق آن لحظه شماری کنند. اگر طوعاً را مفعولی معنا کنیم به این معناست که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه مورد اطاعت قرار می‌گیرد و این اطاعتی بدون مقاومت و از روی میل و رغبت است.

سفارش به خواندن روزانه این دعا نیز با رشد و تربیت انسان، او را در مسیر هدف والای مهدویت که حاکمیت نظام ولایی و اطاعت زمین و زمان از رهبر الهی و هادی ربانی است، قرار می‌دهد. و شاید یکی از اسرار سفارش به خواندن روزانه این دعا، این مهم باشد.

(ب) تأثیر دعای نصرت، نسبت به امام (مدعوله)

دعای سلامتی و نصرت برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه در تمامی مراحل زندگی و برای تمامی مشکلات راه (پاسخ ۴)

اوج نیاز امام زمان عجل الله تعالی فرجه به نصرت الهی زمان ظهور است، زیرا ایشان در برابر قدرت باطل به صورت آشکار خواهد ایستاد و شیاطین جن و انس ساکت نخواهند نشست. در روایات درباره سختی این زمان فرموده‌اند: سختی به گونه‌ای است که خون بسته و عرق را از پیشانی پاک می‌کنید و استراحت تان بر روی زمین مرکب‌ها خواهد بود (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۸۴-۲۸۵) و این سختی و مبارزه هشت ماه ادامه خواهد داشت (همان: ۱۶۴ و ۳۰۷). در این مرحله از حرکت مهدوی، هم نیاز به نصرت الهی و هم تحقق آن به نهایت خویش خواهد رسید و وعده یاری خداوند درباره حضرت مربوط به این زمان است و نصرت تضمین شده مربوط به این دوران است؛ اما نصرتی که ما در دعای سلامتی از خداوند طلب می‌کنیم محدود به این زمان نیست بلکه در این دعا با لفظ «فی هذه الساعة و فی کل ساعة» تقاضای یاری الهی در تمامی مراحل زندگی را برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه مطرح می‌نمائیم که یکی از این مراحل، زمان ظهور خواهد بود. این در حالی است که امام در سیر حرکت حق در برابر باطل، رهبری جبهه حق را دارد با همه مشکلاتی که باطل ایجاد می‌کند و آن حضرت در تمامی مراحل این حرکت، نیاز به نصرت الهی دارد. این مسائل به زمان ظهور محدود نمی‌شود، از این رو خواسته ما در دعای سلامتی فرا زمانی است و نصرت فراگیر در همه مراحل حرکت مهدوی است در حالی که نصرت تضمین شده و توصیف شده در روایات، یاری در هنگامه ظهور است.

به عبارت دیگر، پیروزی امام زمان عجل الله تعالی فرجه و یاری خداوند به صورت کلی تضمین شده و اصل

نصرت الهی و پیروزی، وعده داده شده است که در زمان ظهور رخ خواهد داد؛ اما نصرت در خصوصیات و جزئیات و سختی و آسانی کار و... با دعا و تضرع به درگاه الهی قابل حل است و ما در دعای روزانه نصرتی فراگیر از این جهت را درخواست می‌نماییم.

لحاظ دعا و طلب یاری ما در وعده‌ی خداوند به نصرت (پاسخ ۵)

دعای ما همگام با اراده الهی است و خداوند که وعده حتمی به یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه در هنگامه ظهور داده است، در علم خودش که بر اساس آن وعده می‌دهد و تضمین می‌کند، طلب ما، دعا‌های ما، آمادگی‌های ما را هم دیده و با توجه به یاری شیعه و انتخاب درستی که در آینده خواهند داشت، این وعده را داده است، بنابراین دعای روزانه ما برای یاری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نه تنها با وعده خداوند به نصرت و حتمی بودن آن، تنافی و تعارض ندارد بلکه با آن هم‌افق و در یک راستا قرار می‌گیرد و خداوند در مسیر دعای ما و در اجابت دعوت ما، امام را یاری خواهد کرد. لفظ «جندالله» در حدیث قدسی که می‌فرماید: حتماً او (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه) را با لشگریانم یاری خواهم داد و با ملائکه‌ام مدد خواهم رسانید (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ج ۱، ۲۶۲؛ همو، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۵۶؛ همو، ۱۳۸۵ق: ج ۱، ۶) می‌تواند اشاره به یاری انسان‌هایی هم باشد که با اراده و اختیار یاری امام را برمی‌گزینند (حزب الله) به‌ویژه که در کنار یاری ملائکه مطرح گردیده است.

به عبارت دیگر، تحقق اراده‌ی خدا از طریق اسباب است و دعا نیز یکی از مهم‌ترین این وسایل و اسباب در راستای جریان اراده‌ی الهی در زندگی انسان است و وعده خداوند به نصرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز با در نظر گرفتن این اسباب انجام گرفته است. به تعبیر اهل منطق، دعا جزء العلة برای تحقق وعده‌ی خداست و در سلسله اسباب قرار می‌گیرد.

تشکیکی بودن نصرت و نقش دعا در شدت و قدرت بخشیدن به آن (پاسخ ۶)

درست است که نصرت الهی از سوی خداوند متعال نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه، ضمانت شده است ولی از آن‌جا که اوصاف مطرح شده در دعا و از جمله نصرت و یاری، اوصافی تشکیکی و قابل شدت و ضعف هستند، دعای عمومی مؤمنان، باعث تقویت و تشدید این اوصاف از سوی خداوند نسبت به امام زمان خواهد شد، زیرا با توجه به عموم آیه «بخوانید مرا

۱. وَ لَأَنْصُرَنَّهٗ بِجُنْدِي وَ لَأَمُدَّنَّهٗ بِمَلَائِكَتِي.

و دعا کنید تا اجابت کنم برای شما» (غافر: ۶۰)^۱ هیچ دعایی در درگاه الهی امکان رد شدن ندارد و باید به گونه‌ای به هدف اجابت برسد و زمانی که این دعا در خود وصف قابلیت اجابت به تقویت و تشدید را دارد آن هم نسبت به امامی که با توجه به مأموریت ویژه خود، نیازمند برخورداری حداکثری از این اوصاف در راستای انجام تکلیف است از این رو دعای مؤمن نسبت به اوصافی که اصل آن از سوی خداوند متعال ضمانت شده است بر شدت و سرعت آن خواهد افزود، زیرا در این زمینه‌ها، قابلیت رشد و تقویت را خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

چرایی دعا برای نصرت الهی با وجود اراده حتمی الهی بر این یاری و وعده‌ی تخلف‌ناپذیر خدا در این امر، پرسش و مسئله اصلی این نوشتار است. پاسخ نگارنده به این مسئله این‌گونه خواهد بود که آثار این درخواست در دو جهت دعاکننده و مدعو له (امام زمان عجل الله تعالی فرجه) قابل تبیین است. از جهت دعاکننده، دارای آثار معرفتی همچون شکل‌گیری طلب در وجود داعی، همراهی با جریان سنت نصرت الهی و رشد و تعالی در راستای هدف مهدویت است و از جهت مدعو له (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه) نیز دعاکننده، سلامتی و نصرت را برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه در همه مراحل زندگی و تمام خصوصیات و جزئیات جریان جبهه حق، درخواست می‌کند در حالی که نصرت الهی به صورت کلی تضمین شده است نه در خصوصیات. همچنین دعای ما به عنوان جزء العلة در علم الهی لحاظ شده است و دعای ما نه تنها با حتمیت نصرت منافاتی ندارد بلکه همگام با وعده خدا و تحقق نصرت الهی است و در نهایت این که نصرت الهی مانند سایر امور تشکیکی، از جهت شدت و قوت متفاوت است و دعای ما در شدت و قدرت بخشیدن به آن نقش دارد.

۱. «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ».

منابع

قرآن کریم

صحیفه سجادیه

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبة*، تهران: نشر صدوق، اول.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، *النهاية فی غریب الحدیث والأثر*، قم: اسماعیلیان، چهارم.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶)، *الأمالی*، تهران: کتابچی، ششم.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تهران: نشر جهان، اول.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، *علل الشرائع*، قم: کتابفروشی داوری.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین وتمام النعمة*، تهران: اسلامیة، دوم.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *معانی الأخبار*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، اول.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، دوم.
۹. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول علیه السلام*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، دوم.
۱۰. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۶ق)، *فلاح السائل ونجاح المسائل*، قم: بوستان کتاب، اول.
۱۱. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق)، *إقبال الأعمال*، تهران: دارالکتب الإسلامیه، دوم.
۱۲. ابن فارس، أحمد بن (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الإسلامی، اول.
۱۳. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، *المنازل الکبیر*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، اول.
۱۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، سوم.
۱۵. ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، *الفروق فی اللغة*، بیروت: دارالآفاق الجدیدة، اول.
۱۶. اصفهانی، محمدتقی (۱۴۲۸ق)، *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم*، قم: مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام، پنجم.

۱۷. حلی، یوسف بن مطهر (۱۴۱۷ق)، خلاصة الأقوال، تحقیق: شیخ جواد قیومی، قم: مؤسسه النشر الإسلامي، اول.
۱۸. خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق)، الهدایة الكبرى، بیروت: البلاغ.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، اول.
۲۰. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی، اول.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: اسلامیه، سوم.
۲۲. طبری آملی، عمادالدین (۱۳۸۳ق)، بشارة المصطفی لشعبة المرتضی، نجف: المكتبة الحیدریة، دوم.
۲۳. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی، سوم.
۲۴. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، تحقیق: خرسان، دار الکتب الإسلامیه، تهران: چهارم.
۲۵. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق «الف»)، الغیبة / کتاب الغیبة للحجة، قم: دارالمعارف الإسلامیة، اول.
۲۶. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق «ب»)، مصباح المتہجد و سلاح المتعمد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعة، اول.
۲۷. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، الأمالی، قم: دارالثقافة، اول.
۲۸. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۷ق)، الفهرست، تحقیق: شیخ جواد قیومی، قم: مؤسسه النشر الإسلامي، اول.
۲۹. فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: مؤسسه دارالهجرة، دوم.
۳۰. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹ق)، قصص الأنبياء عليهم السلام، مشهد: مرکز پژوهش های اسلامی، اول.
۳۱. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب، سوم.
۳۲. کشی، محمد بن عمر (بی تا)، اختیار معرفة الرجال، تحقیق: سیدمهدی رجائی، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
۳۳. کراچکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق)، کنز الفوائد، قم: دارالذخائر، اول.

۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الكافی*، تصحیح و تعلیق: علی أكبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامية، چهارم.
۳۵. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران: مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي، اول.
۳۶. لیثی واسطی، علی بن محمد (بی تا)، *عیون الحکم والمواعظ*، تحقیق: الشیخ حسین الحسینی البیرجندی، بی جا: دارالحديث، اول.
۳۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تهران: دارالکتب الإسلامية، دوم.
۳۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۶ق)، *ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، اول.
۳۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول.
۴۰. مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۱۳ق)، *الأمالی*، قم: کنگره ی شیخ مفید، اول.
۴۱. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶ق)، *رجال*، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، پنجم.